

در س دوازدهم
تحولات هویتی جهان اجتماعی
علل بیرونی

ارتباط جهان های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگ منجر می شود؟

• ارتباط جهان های اجتماعی با یک دیگر به دو شکل ممکن است وجود داشته باشد:

۱- ارتباط در محدوده هنجار ها و نمادها و شیوه های زندگی

۲- ارتباط در سطح عقاید و ارزش ها

• پیامد ارتباط جهان های اجتماعی با یکدیگر عبارتند از :

۱- گسترش و پیشرفت جهان اجتماعی

۲- ایجاد تحولات هویتی

• ارتباط جهان های اجتماعی با یکدیگر می تواند زمینه گسترش و پیشرفت آنها را فراهم کند اگر :

جهان های اجتماعی در تعامل و داد و ستد با یکدیگر عقاید ، ارزش ها و آرمانهای خود را حفظ کنند و در محدود نمادهای و هنجار ها و شیوه های زندگی عناصری را از جهان اجتماعی دیگر اخذ کنند در صورت لزوم تغییراتی در آنها به وجود آورند .

• ارتباط جهان های اجتماعی با یکدیگر می تواند باعث ایجاد تحولات هویتی شود اگر:

جهان اجتماعی در تعامل با جهان دیگر بر عقاید و ارزش های خود پافشاری نکند و داد و ستد فرهنگی به لایه های عمیق سرایت کند و به مرور زمان به عقاید و ارزش های خود پشت کنند .

مثال ۱: جهان اسلام در نخست رویارویی خود با جهان های اجتماعی دیگر دچار تحولات هویتی نشد و گسترش پیدا کرد زیرا :

هویت فرهنگی (عقاید و ارزش ها) خود را حفظ کرد و فقط عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و در مواردی آنها را بازسازی نمود .

مثال ۲: جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم دچار تحولات هویتی نشد و پیشرفت کرد زیرا :

۱- اسلام به دلیل اهمیتی که عقلانیت می داد فقط عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد .

۲- عناصر اساطیری و مشرکانه این دو فرهنگ را اخذ نکرد .

۳- متناسب با هستی شناختی توحیدی خود در دانش آنها دخل و تصرف کرد .

• جهان اجتماعی که در مسیر تحولات هویتی ، ارزش ها و عقاید جهان اجتماعی دیگر را قبول کند به آن ملحق می شود.

مثال : فرهنگ هایی مانند مصر ، ایران و ... در رویارویی با فرهنگ اسلام دچار تحولات هویتی شده و به اسلام ملحق شدند زیرا :

آنها به عقاید و ارزش های خود پشت کردند و عقاید و ارزش های توحیدی اسلام را پذیرفتند .

• ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر با پذیرش بخش هایی از عناصر آن ، هویت جدیدی به دست آورد و دچار تحولات هویتی شود بدون اینکه به جهان اجتماعی دیگر ملحق شود .

مثال ۱: جهان غرب طی جنگ های صلیبی و در رویارویی با فرهنگ اسلامی برخی از عناصر فرهنگ اسلامی را پذیرفت و دچار تحولات هویتی شد بدون اینکه به جهان اسلام ملحق شود .

• سیر تحولات هویتی جهان غرب عبارتند از :

۱- جهان غرب طی جنگ های صلیبی و رویارویی با فرهنگ اسلامی با پذیرش برخی عناصر آن بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد تحولات هویتی پیدا کرد .

۲- جهان غرب در دوره ای با عبور از عقاید و ارزشهای مسیحیت قرون وسطی به عقاید و ارزش های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد .

• ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر به خود باختگی فرهنگی گرفتار شود .

• خود باختگی فرهنگی :

اگر افراد یک جهان اجتماعی مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و حالت فعال و خلاق خود را انتخاب عناصر فرهنگی از دست بدهند و به گونه ای تقلیدی عمل نمایند به خود باختگی فرهنگی دچار می شوند .

• پیامد های خود باختگی فرهنگی عبارتند از :

۱- نمی تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم بخشد .

۲- نمی تواند فرهنگ خود را گسترش دهد .

۳- نمی تواند فرهنگ خود را رها کند و به جهانی که مبهوت آن شده ملحق شود. (از اینجا رانده و از آنجا مانده میشود).

• جامعه ای که دچار از خود باختگی فرهنگی شده نمی تواند فرهنگ خود را تداوم و گسترش دهد و نمی تواند به فرهنگی که مبهوت آن شده ملحق شود زیرا :

چون به روش تقلیدی عمل می کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می دهد .

• بسیاری از جوامع غیر غربی در رویایی با جهان غرب دچار خود باختگی فرهنگی شده اند زیرا: مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر آن ها گشته اند.

• غرب زدگی: به خود باختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب، غرب زدگی می گویند.

از خود بیگانگی فرهنگی چیست؟

• در زبان فارسی کلمه بیگانه در برابر کلمه خودی به کار می رود.

• از خود بیگانگی: بیگانه شدن انسان از خودش را از خود بیگانگی می گویند.

• از خود بیگانگی فرهنگی: به از خود بیگانگی جهان اجتماعی اطلاق می شود.

• انواع معانی از خود بیگانگی فرهنگی عبارتند از:

۱- از خود بیگانگی تاریخی

۲- از خود بیگانگی حقیقی (فطری)

• از خود بیگانگی تاریخی یعنی:

جهان اجتماعی خود باخته در مواجهه با فرهنگ دیگر فرهنگ تاریخی و هویت خود را از یاد می برد یعنی واقعیت ها و آرمان های خود را فراموش می کند. مانند جوامع غرب زده

• از خود بیگانگی فطری (حقیقی):

عقاید و ارزش های جهان اجتماعی به گونه ای است که مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان می شود یعنی واقعیت ها و آرمان هایش مطابق حق نیست. مانند جهان های سکولار و اساطیری.

• جهان های اجتماعی که بر اساس فطرت انسان شکل نگرفته اند مانند جهان مشرکانه اساطیری و سکولار به از خود بیگانگی فطری دچار می شوند زیرا:

۱- در این نوع جهان اجتماعی، تصویری که از انسان ارائه می شود سرابی از حقیقت است.

۲- در این نوع جهان اجتماعی انسان از حقیقت خود و هستی دور می ماند.

۳- در این نوع جهان اجتماعی فطرت انسان به آرامش نمی رسد و گرفتار اضطراب و تشویش می شود و سر به اعتراض و عصیان می زند.

• از نظر قرآن انسان زمانی به شناخت حقیقت خود و جهان می رسد که : با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد .

• جهان اجتماعی توحیدی که براساس فطرت انسان گرفته است دچار از خود بیگانگی فطری نمی گردد زیرا :

۱- در این جهان انسان با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می گردد .

۲- در این جهان درهای برکت زمین و آسمان به سوی انسان گشوده می شود .

۳- در این جهان انسان به خود آگاهی می رسد و خود و جهان را آیات و نشانه خداوند می داند که همواره همنشین خداوند است .

• از نظر قرآن کریم عامل فراموشی انسان از خود عبارت است از : فراموش کردن خداوند .

در سوره حشر آیه ۱۹ می فرماید همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند و سپس خداوند آن ها را از یاد خودشان برد.